امروز آینده را دیدم، آمریکا در آن جایی نداشت



توماس فریدمن
ستون‌نویس امور خارجی در روزنامه نیویورک تایمز

یادداشتی مهم از نویسنده برنده سه جایزه پولیتزر که امروز اتخاذ راهبرد «ساخت آمریکا، به‌دست کارگران آمریکایی، در همکاری با فناوری، سرمایه و متخصصان چینی» را برای آمریکا ضروری می‌داند. دقیقا مشابه راهبردی که چین در دهه ۱۹۹۰ برای دستیابی به ثروت برگزید؛ یعنی راهبرد «ساخت چین، به‌دست کارگران چینی، با استفاده از فناوری، سرمایه و شرکای آمریکایی، اروپایی، کره‌ای و ژاپنی»

مقدمه

چند روز پیش در شانگهای با یک انتخاب مواجه بودم: به کدام «سرزمین فردا» بروم؟ آیا باید به نسخه فیک شبیه‌سازی‌شده از آمریکایی‌ها در «دیزنی‌لند شانگهای» سر می‌زدم یا به «سرزمین فردای واقعی» یعنی مرکز پژوهش‌های بزرگ شرکت فناوری‌محور چینی «هوآوی» که مساحتی معادل ۲۲۵ زمین فوتبال دارد می‌رفتم؟ گزینه دوم را انتخاب کردم و به بازدید از پردیس تحقیق و توسعه هوآوی رفتم.

این تجربه در عین جذابیت و شکوه، اما عمیقا برایم نگران‌کننده بود و البته مهر تاییدی روشن و انکارناپذیر بود بر آنچه یکی از بازرگانان آمریکایی که چندین دهه در چین فعالیت کرده، در پکن به من گفت. حرف او این بود: «زمانی مردم برای دیدن آینده به آمریکا می‌آمدند؛ اکنون مقصدشان اینجاست».

من پیش از این هرگز چیزی مشابه پردیس هوآوی ندیده بودم. این مجموعه در مدتی کمی بیش از ۳ سال ساخته شده و از ۱۰۴ ساختمان مجزا با طراحی‌های منحصر به فرد تشکیل شده است. فضای سبز آن با دقت آرایش یافته و ساختمان‌ها از طریق یک سامانه قطار مونوریل با ظاهری مشابه قطارهای دیزنی‌لند به یکدیگر متصل‌اند. این پردیس میزبان آزمایشگاه‌هایی با ظرفیت استقرار ۳۵ هزار نفر از دانشمندان، مهندسان و سایر نیروهای تخصصی است و همچنین شامل ۱۰۰ کافه، مراکز بهداشتی و تندرستی و سایر مشوق‌هایی است که با هدف جذب برترین فناوران چینی و بین‌المللی طراحی شده‌اند.

پردیس تحقیق و توسعه دریاچه «لیان‌چیائو» را می‌توان به‌مثابه پاسخ راهبردی هوآوی به تلاش آمریکا برای «خفه‌کردن فناورانه» این شرکت دانست؛ تلاشی که از سال ۲۰۱۹ و با اعمال محدودیت‌های صادرات فناوری آمریکایی، از جمله نیمه‌رساناها، به هوآوی، با استناد به دغدغه‌های امنیت ملی آغاز شد. این تحریم‌ها خسارات سنگینی به هوآوی وارد کرد، اما این شرکت با حمایت دولت چین، مسیر دور زدن تحریم‌های آمریکارا از طریق نوآوری در پیش گرفت. همان‌طور که روزنامه اقتصادی «مایبل» کره‌جنوبی در سال ۲۰۲۴ گزارش داد، هوآوی دقیقا چنین مسیری

را طی کرده است: این شرکت در کمال شگفتی جهانی، در سال گذشته سری گوشی‌های هوشمند «میت ۶۰» را با بهره‌گیری از نیمه‌رساناهای پیشرفته عرضه کرد؛ آن هم در شرایطی که تحریم‌های آمریکا همچنان برقرار بود. در ادامه، هوآوی نخستین گوشی هوشمند سه‌تاشونده جهان را معرفی کرد و همچنین سیستم‌عامل اختصاصی خود با نام «هونگ‌منگ» به معنای هارمونی را رونمایی کرد؛ سامانه‌ای که برای رقابت مستقیم با سیستم‌عامل‌های اپل و گوگل توسعه یافته است.

این شرکت همچنین وارد حوزه توسعه فناوری هوش مصنوعی برای طیفی گسترده از کاربردها شده است؛ از خودروهای برقی و وسایل نقلیه خودران گرفته تا تجهیزات خودمختار استخراج معدن که می‌توانند جایگزین نیروی انسانی شوند. به گفته مقامات هوآوی، تنها در سال ۲۰۲۴، این شرکت تعداد ۱۰۰ هزار ایستگاه شارژ سریع را برای خودروهای برقی خود در سراسر چین نصب کرده؛ در حالی که کنگره آمریکا در سال ۲۰۲۱ مبلغ ۷.۵ میلیارد دلار برای ایجاد یک شبکه سراسری ایستگاه‌های شارژ تخصیص داده، اما تا ماه نوامبر سال ۲۰۲۴، تنها ۲۱۴ ایستگاه شارژ عملیاتی در ۱۲ ایالت به بهره‌برداری رسیده است.

تماشای این وضعیت از نزدیک، حقیقتا هراس‌انگیز است. در حالی که ترامپ تمرکز خود را بر این گذاشته که ورزشکاران تراجنسیتی آمریکایی باید در کدام تیم‌ها رقابت کنند، چین در حال تحولی بنیادین در ساختار صنعتی خود از طریق هوش مصنوعی است تا بتواند از تمامی کارخانه‌های ما پیشی بگیرد. راهبرد موسوم به «روز رهایی» ترامپ (که روز گذشته در باغ رزهای کاخ سفید اعلام شد)، متکی بر تشدید تعرفه‌ها و در عین حال تضعیف نهادهای علمی ملی و نیروی انسانی متخصصی است که موتور محرک نوآوری آمریکا به‌شمار می‌روند. در مقابل، راهبرد رهایی چین بر گسترش پردیس‌های تحقیقاتی و تمرکز مضاعف بر نوآوری مبتنی بر هوش مصنوعی استوار است، با این هدف که به‌طور پایدار چین را از وابستگی به زنجیره‌های تامین متاثر از تعرفه‌های ترامپ رها سازد.

پیام پکن به آمریکا روشن است: «ما از شما هراسی نداریم. شما آن چیزی نیستید که خودتان می‌پندارید و ما نیز آن چیزی نیستیم که شما تصور می‌کنید. منظورم چیست؟ شاهد شماره ۱: در سال ۲۰۲۴، وال‌استریت ژورنال گزارش داد که «سود خالص هواوی در سال گذشته بیش از دو برابر شده است»؛ نشانه‌ای خیره‌کننده از بازگشت قدرتمند این شرکت، که با اتکاء به سخت‌افزارهای جدید مبتنی بر تراشه‌های بومی‌سازی‌شده این شرکت محقق شده بود. شاهد شماره ۲: همین روزنامه اخیرا از سناتور جمهوری‌خواه، «جاش هالی»، نقل قول کرده که در مورد چین گفته است: "برخی از سناتورهای آمریکایی باید بیشتر با جهان بیرون مواجه شوند. اگر قانون‌گذار آمریکایی هستید و قصد دارید چین را مورد انتقاد قرار دهید، اختیار با شماست، حتی ممکن است من هم در این کار با شما همراه شوم، اما دست‌کم پیش از آن، تحقیق و بررسی لازم را انجام دهید. امروزه در هر دو حزب سیاسی، این کار (مطالعه و شناخت واقعیت‌ها) به میزان نگران‌کننده‌ای ضعیف شده و در عوض، نوعی اجماع سطحی پدید آمده است؛ اجماعی که منطقه امن سیاسی خود را در حملات لفظی به پکن می‌بینند، چند بار شعار «آمریکا، آمریکا، آمریکا» سر دهد، جملاتی کلیشه‌ای درباره این‌که «دموکراسی‌ها همواره نوآورتر از حکومت‌های خودکامه هستند» بیان و پس از آن، ماجرا را پایان‌یافته تلقی کند".

ترجیح می‌دهم میهن‌دوستی‌ام را نه با شعار، بلکه با صداقتی بی‌رحمانه نسبت به نقاط قوت و ضعف خودمان و همچنین نسبت به نقاط قوت و ضعف چین ابراز کنم و نیز با توضیح این‌که چرا به باور من، بهترین مسیر پیش روی هر دو کشور، در آستانه‌ی انقلاب هوش مصنوعی، راهبردی است تحت عنوان: «ساخت آمریکا، به‌دست کارگران آمریکایی، در همکاری با سرمایه و فناوری چینی». اجازه دهید بیشتر توضیح دهم.

ساده‌انگاری‌های ترامپی

در دوره نخست ریاست‌جمهوری ترامپ، من با سیاست تعرفه‌گذاری او علیه چین موافق بودم. چین به‌طور نظام‌مند مانع ورود برخی کالاها و خدمات آمریکایی می‌شد و ما نیز نیاز داشتیم که سیاست تعرفه‌ای متقابل را در قبال پکن به‌کار گیریم .برای نمونه، چین سال‌ها در اعطای مجوز استفاده از کارت‌های اعتباری آمریکایی در بازار داخلی خود تعلل ورزید، تا زمانی‌که پلتفرم‌های پرداخت بومی‌اش به سلطه کامل بر بازار دست یافتند و آن را به جامعه‌ای بدون پول نقد تبدیل کردند؛ جایی که تقریبا همه چیز با اپلیکیشن‌های پرداخت موبایلی تسویه می‌شود. هفته گذشته، زمانی‌که در ایستگاه راه‌آهن پکن قصد استفاده از کارت ویزای خود را داشتم، به من گفته شد که تنها در صورتی قابل استفاده است که از طریق یکی از این اپلیکیشن‌ها، نظیر «علی‌پی» یا «وی‌چت‌پی»، به سیستم پرداخت متصل شده باشد. این دو سامانه به‌طور ترکیبی بیش از ۹۰ درصد سهم بازار پرداخت الکترونیکی چین را در اختیار دارند.

من حتی با ترامپ موافقم که اعمال تعرفه‌های هدفمند مضاعف بر مسیرهای غیرمستقیم ورود کالاهای چینی به بازار آمریکا از طریق مکزیک و ویتنام می‌تواند ابزار سیاستی مفیدی باشد، اما مشروط بر آنکه در چارچوب یک راهبرد جامع‌تر تعریف شود.

مساله‌ی من با ساده‌انگاری‌های ترامپی است؛ این تصور خام که اگر صرفاً با وضع دیوارهای حمایتی پیرامون یک صنعت یا حتی کل اقتصاد از آن‌ها حفاظت شود، ناگهان و به‌طور معجزه‌آسا، کارخانه‌های آمریکایی شکوفا و همان کالاها در داخل کشور، با همان هزینه و بدون هیچ‌گونه بار اقتصادی برای مصرف‌کنندگان آمریکایی، تولید خواهند شد.

برای شروع، این دیدگاه به‌طور کامل از این واقعیت چشم‌پوشی می‌کند که تقریبا تمامی محصولات پیچیده‌ی امروزی، از خودرو گرفته تا آیفون و واکسن «آر.ان.ای»، در درون زیست‌بوم‌های عظیم، پیچیده و جهانی تولید صنعتی ساخته می‌شوند. همین ساختارهای جهانی هستند که سبب بهبود مستمر کیفیت و کاهش تدریجی قیمت این محصولات می‌شوند. البته، اگر هدف سیاست‌گذار حمایت از صنعت فولاد به‌عنوان کالایی پایه و عمومی باشد، تعرفه‌ها ممکن است به‌سرعت مؤثر واقع شوند، اما اگر قصد حمایت از صنعت خودروسازی را دارید و گمان می‌کنید که صرفا ایجاد دیواری تعرفه‌ای برای این کار کافی است، درک دقیقی از فرایند تولید خودرو ندارید. سال‌ها زمان خواهد برد تا شرکت‌های خودروساز آمریکایی بتوانند وابستگی شدید خود به زنجیره‌های تامین جهانی را جایگزین کرده و تمامی اجزای خودرو را در داخل آمریکا تولید کنند. حتی شرکت «تسلا» نیز ناگزیر است بخشی از قطعات مورد نیاز خود را وارد کند.

اما شما هم در اشتباه هستید اگر فکر کنید که چین تنها از طریق تقلب به تسلط جهانی در تولید صنعتی دست یافته است. بله، چین تقلب کرده، کپی کرده و شرکت‌ها را مجبور به انتقال فناوری کرده اما آنچه که قدرت عظیم امروز ماشین تولید چین را رقم زده، این نیست که فقط اجناس را ارزان‌تر تولید می‌کند؛ بلکه چین امروز دارد این اجناس را ارزان‌تر، سریع‌تر، بهتر، هوشمندتر و به‌طور فزاینده‌ای با هوش مصنوعی ترکیب شده‌تر تولید می‌کند.

درون باشگاه پرورش اندام چین

چطور؟ «یورگ ووتکه»، رئیس پیشین و قدیمی اتاق بازرگانی اتحادیه اروپا در چین، این پدیده را «باشگاه پرورش اندام چین» می‌نامد و اینگونه روایت می‌کند: "چین با تأکید بر مدل آموزشی استم (علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات) (*) شروع می‌کند. هر سال، این کشور حدود ۳.۵ میلیون فارغ‌التحصیل استم بیرون می‌دهد تقریبا معادل فارغ‌التحصیلان برنامه‌های کارشناسی، کارشناسی‌ارشد، دکتری و سایر رشته‌ها در آمریکا است. وقتی این تعداد فارغ‌التحصیل در رشته‌های استم دارید، می‌توانید نسبت به هر کشوری استعداد بیشتری صرف حل مسائل کنید". همانطور که «کیت برادشر»، رئیس دفتر پیشین روزنامه «نیویورک‌تایمز» در پکن، سال گذشته گزارش داد: «چین ۳۹ دانشگاه دارد که برنامه‌هایی برای آموزش مهندسان و پژوهشگران ویژه صنعت فلزات نادر دارند. دانشگاه‌های آمریکا و اروپا معمولا فقط دوره‌های پراکنده‌ای در این زمینه ارائه می‌دهند».

گرچه بسیاری از مهندسان چینی ممکن است با مهارت‌هایی در سطح دانشگاه «ام.آی.تی» فارغ‌التحصیل نشوند، اما بهترین‌ها در سطح جهانی هستند و به تعداد زیاد وجود دارند. جمعیت چین ۱.۴ میلیارد نفر است. این بدین معناست که در چین، وقتی شما دارای یک استعداد ویژه در میان یک میلیون نفر هستید، حداقل ۱۴۰۰ نفر دیگر دقیقا مشابه شما وجود دارند.

حال به این مهم هم توجه کنید که مدارس فنی و حرفه‌ای چینی هر ساله ده‌ها هزار برقکار، جوشکار، نجار، مکانیک و لوله‌کش تربیت می‌کنند، بنابراین زمانی که کسی ایده‌ای برای تولید یک محصول جدید داشته باشد و بخواهد یک کارخانه راه‌اندازی کند، این کارخانه به سرعت ساخته خواهد شد. یک دکمه صورتی با نقطه‌های سفید می‌خواهید که بتوان با فشار آن سرود ملی چین را به‌طور معکوس خواند؟ کسی هست که همین فردا آن را برای شما خواهد ساخت و سریعا هم تحویل خواهد داد. بیش از ۵۵۰ شهر چینی از طریق قطار سریع‌السیر به یکدیگر متصل هستند که قطارهای «آسِلا» شرکت آمریکایی «آمتراک» در مقابل آن شبیه سیستم چاپار قدیمی است.

زمانی که همه چیز را به‌طور مداوم دیجیتال و متصل می‌کنید، می‌توانید به راحتی و با استفاده از شناسایی چهره به اتاق هتل خود وارد شوید. حتی گداهای چینی مسلط به فناوری اسکن «کیو.آر کُد» هستند و می‌توانند به سرعت از طریق اسکن گوشی تلفن همراه، اعانه دریافت کنند. کل سیستم برای سرعت تنظیم شده است، حتی اگر فردی باشید که در مقابل قانون یا برای حزب کمونیست چالش ایجاد می‌کنید، با توجه به دوربین‌های امنیتی در هر مکانی، به سرعت دستگیر و ناپدید خواهید شد.

زمانی که باشگاه پرورش اندامی مشابه چین پشت هر دیوار تعرفه‌ای نساخته باشیم، با وضع تعرفه‌های بیشتر تنها تورم و رکود به دست خواهیم آورد. شما، به‌ویژه در آستانه انقلاب هوش مصنوعی، نمی‌توانید با تعرفه‌ها در مسیر شکوفایی اقتصادی حرکت کنید. من چهار ماه پیش هم در چین بودم. بین آن زمان و حالا، نوآوران هوش مصنوعی چین توانستند موتور هوش مصنوعی متن‌باز خود را به نام «دیپ‌سیک» را با استفاده از تعداد کمتری از چیپ‌های تخصصی آمریکایی توسعه دهند. من انرژی خاصی در جامعه فناوری چین حس می‌کردم. این انرژی قابل لمس بود. ماه گذشته، نخست‌وزیر «لی کیانگ» در مراسم افتتاحیه کنگره ملی مردم چین اعلام کرد که دولت چین از "کاربرد گسترده مدل‌های هوش مصنوعی در مقیاس بالا" حمایت می‌کند.

یک مهندس خودروی جوان چینی که زمانی برای «تسلا» کار کرده بود به من گفت: "الان همه در حال رقابت بر سر میزان هوش مصنوعی‌ای هستند که وارد محصول می‌شود. حالا شما افتخار می‌کنید که چقدر هوش مصنوعی وارد محصول نهایی کرده‌اید. همه متعهد هستند. من از هوش مصنوعی استفاده خواهم کرد، حتی اگر الان ندانم چگونه. شما برای آن آماده می‌شوید، حتی اگر در یک خط تولید ساده برای ساخت یخچال مشغول باشید. باید از هوش مصنوعی استفاده کنم، چون رئیس من به من گفته است".

ما آمریکایی‌هایِ کی‌مارتی باید دقت کنیم که وقتی شما از یک موتور تولیدی با این قدرت و با این اتصال دیجیتالی شبیه چین برخوردار باشید، زمانی که آن را در تمام سطوح با هوش مصنوعی نیز ترکیب کنید، گویی که یک محرک به آن تزریق کرده‌اید که می‌تواند هر جنبه‌ای از فرآیند تولید، از طراحی تا آزمایش و تولید، را بهینه‌سازی و تسریع کند.

به هیچ عنوان اکنون زمان مناسبی نیست که قانونگذاران آمریکایی، به دلیل ترس از اینکه به آنان برچسب «عاشقان پاندا» (**) زده شود، از سفر به چین یا بررسی اقدامات این کشور اجتناب کنند. همانطور که «هان شن لین»، یک آمریکایی که به‌عنوان مدیر میز چین در اندیشکده «گروه آسیا» فعالیت می‌کند، در طول یک صبحانه در هتل «پیس» شانگهای به من گفت: "دیپ‌سیک یک جهش خیلی بزرگ نیست اما با تمام محدودیت‌ها و محرک‌های جدید سرمایه‌گذاری خارجی و عدم تمایل به همکاری از ناحیه آمریکا، اکنون ما از پیشرفت‌های فناوری چین بی‌اطلاع شده‌ایم. چین بدون هر گونه ورودی از ناحیه آمریکا در حال تعریف استانداردهای فناوری و آینده است و این موضوع ما را در آینده در موقعیت رقابتی جدی با چین قرار خواهد داد".

پکن خواهان جنگ تجاری نیست

با وجود تمام مزیت‌های ساختاری چین، این کشور تمایلی به ورود به جنگ تجاری با آمریکا ندارد. در حال حاضر، بخش قابل توجهی از طبقه متوسط چین در وضعیت نارضایتی به‌سر می‌برد. طی بیش از یک دهه، بسیاری از چینی‌ها به‌جای سپرده‌گذاری در بانک‌هایی که سود اسمی یا ناچیز پرداخت می‌کردند، سرمایه خود را به بازار مسکن وارد کردند. این رفتار منجر به شکل‌گیری یک حباب بزرگ ملکی شد. برخی در این روند سودهای قابل توجهی کسب کردند، اما پس از اعمال محدودیت‌های اعتباری در حوزه املاک توسط دولت در سال ۲۰۲۰، این بازار دچار افت شدیدی شد. در نتیجه، بخش زیادی از مردم اکنون نقدینگی خود را حفظ می‌کنند، چراکه سود حاصل از سرمایه‌گذاری ملکی از بین رفته و حمایت‌های دولتی در حوزه مستمری و خدمات سلامت عمومی بسیار اندک است. بنابراین، خانوارها مجبورند برای مواجهه با روزهای سخت آینده، پس‌انداز کنند.

همان‌گونه که همکارم «کیت برادشر» به‌تازگی گزارش کرده است، رکود اقتصادی، دولت مرکزی چین را از دریافت درآمدهای مالیاتی لازم برای تحریک تقاضای داخلی و حمایت مالی از صنایع صادرات‌محور که پیشران اصلی رشد اقتصادی این هستند، اما ممکن است تحت تاثیر تعرفه‌های خارجی قرار گیرند، محروم کرده است. به بیان ساده، باشگاه پرورش فناوری چین، ساختاری پیشرفته و تحسین‌برانگیز دارد؛ اما دولت پکن همچنان به توافق تجاری با ترامپ نیاز دارد. توافقی که بتواند موتور صادراتی اقتصاد چین را محافظت و تثبیت کند.

نکته اینجاست که آمریکا نیز به توافق تجاری نیاز دارد. با این حال، ترامپ به‌حدی بازیگری غیرقابل پیش‌بینی شده و هر ساعت سیاست‌هایش را تغییر می‌دهد که مقامات چینی جدی‌تر از همیشه تردید دارند که بتوانند با او به توافقی برسند که به آن پایبند بماند. بانو «میچل گلفند»، متخصص مذاکرات تجاری از دانشگاه استنفورد گفته است: "مدافعان ترامپ معتقدند که غیرقابل پیش‌بینی بودن او، رقبا را از تعادل خارج می‌کند. اما مذاکره‌کنندگان بزرگ می‌دانند که اعتماد و نه آشوب، عامل تحقق نتایج پایدار است. اگر ترامپ همچنان بی‌محابا متحدان را همچون دشمنان بپندارد و مذاکرات را به میدان جنگ بدل کند، آمریکا نه‌تنها به توافقات بد خواهد رسید، بلکه در جهانی گرفتار می‌شود که دیگر هیچ شریک مذاکره‌ای برایش باقی نمانده است".

از نظر من، تنها توافقی که منافع دوسویه دارد، توافقی است که می‌توان آن را این‌گونه توصیف کرد: "ساخت آمریکا، به‌دست

کارگران آمریکایی، در همکاری با فناوری، سرمایه و متخصصان چینی". یعنی دقیقا مشابه راهبردی که چین در دهه ۱۹۹۰ برای دستیابی به ثروت برگزید؛ راهبردی که این‌گونه تعریف می‌شد: "ساخت چین، به‌دست کارگران چینی، با استفاده از فناوری، سرمایه و شرکای آمریکایی، اروپایی، کره‌ای و ژاپنی". «جیم مک‌گرگور»، مشاور کسب‌وکار که به‌مدت ۳۰ سال در چین زندگی کرده، این موضوع را چنین برایم توضیح داد: "در گذشته شرکت‌های چندملیتی آمریکایی برای ورود به بازار چین، به سراغ سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های چینی می‌رفتند. اما اکنون، شرکت‌های خارجی به چین می‌آیند و به شرکت‌های چندملیتی چینی می‌گویند اگر می‌خواهید وارد بازار اروپا شوید، با من سرمایه‌گذاری مشترک انجام دهید و فناوری‌تان را بیاورید".

ما باید اعمال هرگونه تعرفه بر کالاهای چینی را با انداختن فرش قرمز جلوی پای شرکت‌های چینی جهت ورود به بازار آمریکا ترکیب کنیم. باید به صنایع آمریکایی مجوز استفاده از لایسنس بهترین نوآوران صنعتی چینی برای تولید در خاک آمریکا را بدهیم و باید اجازه دهیم تا صنایع آمریکایی پذیرای همکاری مشترک با چینی‌ها در سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر و تاسیس کارخانه‌های تولید پیشرفته در قالب سهام ۵۰-۵۰ باشند. البته، مشارکت‌کنندگان چینی در آمریکا باید متعهد شوند که به‌صورت تدریجی سهم قطعات تامین‌شده از منابع داخلی آمریکا را افزایش دهند، نه اینکه تا ابد به واردات متکی بمانند. این راهکار، به‌وضوح، مستلزم تلاش عظیمی برای بازسازی اعتماد میان طرفین است؛ اعتمادی که در حال حاضر تقریبا به‌طور کامل از روابط دوجانبه رخت بربسته است. بااین‌حال، این تنها مسیر برای رسیدن به تجارت برد-برد معقول است.

در غیر این صورت، به سمت یک سناریوی باخت-باخت در حال حرکت هستیم. برای مثال، در ۱۹ مارس ۲۰۲۵ (۲۹ اسفند ۱۴۰۳)، مجلس سنای ایالت تگزاس به‌طور مقدماتی طرحی را تصویب کرد که به‌موجب آن، شهروندان و نهادهای مستقر در چین، ایران، کره شمالی و روسیه از خرید و مالکیت املاک در ایالت تگزاس منع می‌شوند. قراردادن چین در این فهرست و اینکه به‌جای آن‌که مشوق‌ها و چارچوب‌های لازم برای جذب سرمایه‌گذاری چینی‌ها در تگزاس را تدوین نماییم بیاییم بخشی از بزرگ‌ترین توانمندی‌های مغزی جهان را طرد کنیم، اقدامی کاملا غیرعقلانی است. از چه زمانی آمریکا تا این حد دچار واهمه شده است؟ و از کی دیدگاه واقع‌گرایانه خود را نسبت به جهانی که در آن زندگی می‌کنیم از دست داده‌ایم؟ شما می‌توانید هرچقدر که بخواهید از جهانی‌سازی انتقاد کنید، اما این واقعیت را تغییر نخواهد داد که حوزه‌های ارتباطات راه دور، تجارت، مهاجرت و تغییرات اقلیمی ما و سرنوشت‌هایمان را به‌طور تفکیک‌ناپذیری در هم تنیده‌اند.

من از شیوه‌ای که «داو سیدمن»، نویسنده‌ی کتاب «چرا چگونگی انجام کارهاست که همه‌چیز را رقم می‌زند؟»، این موضوع را تبیین می‌کند، بسیار خوشم می‌آید. او در گفت‌وگویی به من گفت: "در مورد آمریکا، چین، و اساسا کل جهان، وابستگی متقابل دیگر یک انتخاب نیست؛ بلکه وضعیت موجود ماست. تنها انتخاب ما این است که آیا می‌خواهیم وابستگی‌های متقابل سالم شکل دهیم و هم‌زمان با یکدیگر اوج بگیریم، یا وابستگی‌های متقابل ناسالم را حفظ کنیم و با یکدیگر سقوط کنیم". اما در هر دو حالت، این مسیر را با هم طی می‌کنیم. رهبران آمریکا و چین پیش‌تر این حقیقت را درک می‌کردند، و نهایتا بار دیگر به این درک بازخواهند گشت. تنها پرسشی که در ذهن من باقی می‌ماند این است: تا آن هنگام، چه چیز از آن نظم اقتصاد جهانیِ زمانی یکپارچه که ثروتی عظیم برای هر دو کشور به ارمغان آورد باقی خواهد ماند؟

پانویس:

- * مدل آموزشی «اِستِم» یک ایده و متد جدید آموزش برای سنین پایه است که در آن روش‌های حل مسائل پیرامونی با تکیه بر چهار مهارت برگرفته از دروس علوم، فناوری، مهندسی و ریاضی تدریس می‌شود. تدریس به روش استم به صورت جدی چند سالی است که در کشورهای پیشرفته به‌عنوان یک متد آموزشی مهم در مدارس و پیش دبستانی‌ها آموزش داده می‌شود. توجه به آینده شغلی و تناسب آموزش علوم و مهارت‌های کاربردی در آینده سبب شده تا در کنار دروس مدرسه، استم نیز در قالب برنامه‌های درون مدرسه و یا خارج از آن اجرا شود.
- ** اصطلاح «عاشقان پاندا» در مقابل اصطلاح «قاتلان اژدها» در آمریکا استفاده می‌شود که اولی مترادف «مماشات‌گران با چین» و دومی «ستیزه‌جویان با چین» است.

اصطلاحات:

- Alipay & WeChat Pay = علی‌پی و وی‌چت‌پی
- Attempt to Choke it to Death= تلاش برای ممانعت از پیشرفت فناورانه
- Back Doors = مسیرهای غیرمستقیم / در پشتی
- Homegrown Chips = تراشه‌های بومی‌سازی‌شده
- Innovate around Sanctions = دور زدن تحریم‌ها از طریق نوآوری
- Large-Scale A.I. Models = مدل‌های هوش مصنوعی در مقیاس‌بالا
- Manicured Lawns = فضای سبز با آرایش دقیق
- Manufacturing Juggernaut = ماشین تولید عظیم
- Panda Huggers / Dragon Slayers = عاشقان پاندا / قاتلان اژدها
- Platitudes = شعارهای کلیشه‌ای
- Pony Express = سیستم حمل نامه با اسب / چاپار
- STEM (Science, Tech, Engineering, and Math)= مدل آموزشی استم
- Triple-Folding Smartphone = گوشی هوشمند سه‌تاشونده
- Vivid Confirmation = مهر تایید انکارناپذیر

منابع:

- یادداشت توماس فریدمن در روزنامه نیویورک تایمز مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۶